

مجله مطالعات حقوق تطبیقی،

دوره ۳، شماره ۱،

بهار و تابستان ۱۳۹۱،

صفحات ۱۹ تا ۳۶

مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق

حسن بادینی*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

هادی شعبانی کندسری**

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی تهران

سجاد رادپور***

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۲

چکیده

مسئولیت محض، حاصل افکار فلسفی حقوقدانان در مواجهه با پیشرفت‌های دانش بشری و پیچیده شدن روابط اجتماعی است که با حذف عنصر تقصیر از مسئولیت مدنی و تأکید بر رابطه سببیت، در پی تسهیل جبران خسارت زیان‌دیده است. این نوع مسئولیت با مبانی متعدد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی توجیه می‌گردد. مسئولیت محض در ابتدا ویژه فعالیت‌های خطرناک بود، اما همگام با پیشرفت بیمه‌های مسئولیت و تأمین اجتماعی که اهداف و کارکردهای مسئولیت مدنی را دگرگون نموده، گسترش یافته است. در حقوق ایران و اسلام نیز ضمان ناشی از اتلاف، مسئولیت پزشک و برخی از موارد پرداخت دیه جزو نمونه‌های مرسوم مسئولیت محض است. در برخی مقررات جدید نیز، مانند مسئولیت دارنده وسیله نقلیه موتوری و ریلی این نوع مسئولیت بطور ضمنی پذیرفته شده است و ورود آن در برخی دیگر از زمینه‌ها مانند مسئولیت عرضه کنندگان کالاها و خدمات به دلیل شبهه سازگار نبودن با مبانی مرسوم با مقاومت روبرو شده است. در هر حال، ضرورت‌ها و نیازهای دنیای امروز ایجاب می‌کند تا در حقوق ایران نیز دامنه این نوع مسئولیت به فعالیت‌های خطرناک دیگری که ضرر غیرمقابلی را به سایر اعضای جامعه تحمیل می‌کند، تسری یابد.

واژگان کلیدی: مسئولیت محض، مسئولیت مطلق، تقصیر، قابلیت استناد، بیمه، تأمین اجتماعی.

hbadini@ut.ac.ir

shabanihadi_67@yahoo.com

sajad_radparvar@yahoo.com

* نویسنده مسئول-فاکس: ۰۲۱-۶۶۴۰۹۵۹۵

**

مقدمه

از لحاظ تاریخی، در جوامع ابتدایی به دلیل اعتقادات مذهبی و گاه خرافات و نیز برای جلوگیری از درگیری و خونریزی بین طایفه‌ها بر سر عناصر شخصی تقصیر، مسؤولیت مبتنی بر تقصیر نبوده و ارتکاب فعل زیانبار به تنهایی کافی بوده است (Levmore, 1994, pp. 67_80). (Viney, 2009, p.9) از اواخر قرن هیجدهم میلادی، تحت تأثیر اندیشه‌های به وجود آورنده انقلاب کبیر فرانسه، بینش لیبرالیستی و اومانیستی مبتنی بر آزادی فرد در جامعه رواج پیدا کرد. نتیجه این مکتب در در زمینه مسؤولیت مدنی پذیرش مسؤولیت مبتنی بر تقصیر بود. در این راستا، در قوانین مدنی بسیاری از کشورهای حقوق نوشته، از جمله فرانسه، تقصیر به عنوان ترجمان عقل و خرد مبنای مسؤولیت مدنی گردید و رویه قضایی در کامن‌لا نیز اصل «عدم وجود مسؤولیت بدون تقصیر» را پذیرفت (Owen, 1995, p. 201).

در آن زمان ابزارهای مورد استفاده انسان بسیار ساده بود و زندگی ماشینی هنوز گسترش قابل توجهی نیافته بود. همانند عصر کشاورزی، حیوانات و ساختمان‌ها خطرناک‌ترین اموال مورد استفاده انسان به حساب می‌آمد. در صورت روی دادن حادثه، اثبات تقصیر نسبتاً راحت بود (Ryneud, 1962, p. 342; Boulanger, 1957, p. 334). دیری نیاید که استفاده از ماشین در فعالیت‌های مختلف، بویژه صنعت، گسترش پیدا کرد؛ کارگاه‌ها و کارخانه‌های زیادی بوجود آمدند؛ استفاده از خودرو و وسایل حمل و نقل جدید رواج پیدا کرد و افزایش تولیدات و محصولات، انسان را در معرض خطرات ناشی از شیوه جدید زندگی قرار داد که نتیجه آن افزایش تعداد و شدت حوادث و خسارت‌های مربوط به آن، بویژه خسارت بدنی بود. در کنار این تحولات، عوامل زیر باعث گسترش مسؤولیت محض و افول نظریه تقصیر گردید: تأثیر مکتب تحقیقی ایتالیایی حقوق کیفری که بر اساس آن حقوق را باید به صورت مادی درآورد و جنبه روانشناختی آن را نادیده گرفت؛ اندیشه‌های حقوقدانان آلمانی طرفدار مکتب تاریخی حقوق که معتقد بودند حقوق نیز همگام با شرایط اجتماعی تحول پیدا می‌کند؛ رواج اندیشه اجتماعی حقوق که تکیه آن بر معیارهای نوعی و عینی است تا شخصی؛ افول مفهوم حداقلی دولت و پیدایش مفهوم دولت رفاه که باعث شد زیاندیدگان جبران خسارت و امنیت را حق خود بدانند؛ پیدایش نظام‌های جدید جبران خسارت (مانند بیمه و تأمین اجتماعی) و در نتیجه اجتماعی شدن خطرها و در نهایت در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی و انصاف (Mazeaud, 1965, p. 342 et 345; Jutras, 1993, p. 337; Jourdain, 2007, pp. 10-15)

از آنجا که کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران نیز بعد از مدتی با مسایل و مشکلات کشورهای صنعتی روبرو شدند، لزوم استفاده از مسؤولیت محض و ایجاد تحول در مبنای مسؤولیت مدنی در حقوق آنها نیز مطرح گردید. اما، با توجه به این که حقوق ایران عمدتاً متأثر از حقوق اسلام است، مسئله دیگری نیز که لزوم انطباق یا عدم انطباق این مسؤولیت با مبانی فقهی

است، مطرح می‌گردد. با عنایت به این امر، این مقاله درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است: مسئولیت محض با چه مبانی توجیه می‌شود؟ موارد و مصادیق مسئولیت محض در حقوق ایران و اسلام کدام است و آیا با توجه به مبانی فقهی و سنتی موجود مسئولیت محض در حقوق ایران قابل پذیرش است یا خیر و در این زمینه در حقوق ایران چه کاستی‌هایی مشاهده می‌شود؟

۱. مبانی مسئولیت محض

مسئولیت محض (Strict Liability) مسئولیتی است که مبتنی بر وجود یا اثبات تقصیر در عامل زیان یا فعل زیانبار نیست و صرف ایراد ضرر برای عامل آن ایجاد مسئولیت می‌کند و خواننده جز با اثبات فقدان رابطه سببیت و انتساب ضرر به قوای قاهره نمی‌تواند از مسئولیت معاف شود. مسئولیت محض، نه مستلزم اثبات تقصیر در عمل است نه در عامل (Coleman, 1992, pp. 217-220). به عبارت دیگر، نه تنها لازم نیست عمل، لزوماً تخطی از معیار رفتار انسان متعارف باشد، بلکه وجود عیب در خصلت، منش یا انگیزه عامل نیز شرط نیست. بنابراین مسئولیت محض، مسئولیت به نتیجه است، نه فعل و عامل زیان نمی‌تواند با اثبات این امر که رفتار او قابل سرزنش نیست یا از رفتار انسان متعارف تخطی نکرده است، از مسئولیت معاف شود. برخی از حقوقدانان ایرانی مسئولیت محض، مطلق، نوعی و عینی را مرادف هم به کار می‌برند، ولی از این اختلاط باید پرهیز کرد. در مسئولیت مطلق و عینی (Absolute Liability)، ورود خسارت تنها شرط لازم برای مسئول شناختن خواننده است و حتی احراز رابطه سببیت میان فعل او و ورود زیان نیز حذف شده است. بنابراین، این نوع مسئولیت را می‌توان شدیدترین نوع مسئولیت نام نهاد. مسئولیت غاصب (ماده ۳۱۵ ق.م.) و کسی که در حکم غاصب است (مواد ۳۱۰، ۴۹۳ و ۶۳۱ ق.م.) نمونه‌ای از مسئولیت مطلق در حقوق ایران است. مسئولیت محض بر مبانی متعددی استوار است که به مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱. مبانی اخلاقی

یکی از دلایل عمده‌ای که در رد نظریه مسئولیت محض و برتری مسئولیت مبتنی بر تقصیر ارائه می‌شود، این است که به لحاظ اخلاقی مسئول شناختن انسان به دلیل تقصیر، بر مسئولیت بدون تقصیر برتری دارد. یکی از حقوقدانان کشورمان در این مورد معتقد است: «اگر تقصیر هرچند به صورت کمرنگ آن، از قلمرو مسئولیت کنار رود، امنیت اجتماعی و آرامش روحی افراد در داخل جامعه از بین می‌رود و تشویش خاطر، جای آرامش را می‌گیرد و زندگی در فضای انسانی غیرقابل تحمل می‌شود... مسئولیت بدون خطا، تحمیل آثار نامطلوب پاره‌ای از حوادث نامربوط به عمل شخص متعهد به اوست که در ذهن نمی‌توان برای آن توجیهی یافت... اگر عمل بدون خطا نیز منشأ مسئولیت تلقی شود، تفاوتی بین عمل خطاکارانه و عمل عاری از

خطا در تحقق مسؤولیت فاعل باقی نمی‌ماند. این امری است که در پیشگاه انسانیت ذهنی جامعه انسانی پذیرفته نیست» (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۶).

اما، این امر تمام حقیقت را در بر ندارد؛ چرا که در بیشتر موارد مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، یک نوع مسؤولیت بدون سرزنش و عینی است و ناظر به رفتار شخص است نه حالت ذهنی او و این امر باعث می‌شود که بیشتر اشخاص برای آنچه که نمی‌توان آنها را از نظر اخلاقی مورد سرزنش قرار داد، مرتکب تقصیر شوند.^۱ به علاوه، نظریه تقصیر هر چند ظاهری اخلاقی دارد، اما معیارهایی را برای سنجش رفتار شخص مدنظر قرار می‌دهد که فراتر از حد انتظار متعارف است و اشتباهات غیرقابل اجتناب را نیز تقصیرآمیز تلقی می‌کند.

در مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، ممکن است عامل زیان که خسارت از فعل او ناشی شده، از مسؤولیت معاف شود و زیان دیده مجبور به تحمل زیان شود؛ اما در مسؤولیت محض، وقتی بین فعل شخص و ورود زیان رابطه سببیت باشد، عامل زیان باید آن را جبران کند. بنابراین روشن است که مسئول شناختن کسی که عامل ورود زیان بوده، منصفانه است؛ در حالی که تحمیل زیان به زیان‌دیده، که نه مقصر بوده و نه عامل ورود ضرر، منصفانه نیست (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۸۰؛ Coleman, 1992, pp. 328-329). به عبارت دیگر، اگر تقصیر عامل زیان به اثبات نرسد، مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، متضمن مسؤولیت محض زیان‌دیده است و این از نظر اخلاقی قابل توجیه نمی‌باشد.

در رد این ایراد که پذیرش مسؤولیت محض و بدون تقصیر، مانع هر گونه فعالیت اقتصادی و اجتماعی خواهد شد و از این لحاظ به زیان جامعه خواهد بود، گفته شده است که در مسؤولیت بدون تقصیر، هر فعالیتی سبب مسؤولیت مدنی نمی‌شود؛ بلکه فعالیتی ضمان‌آور است که نامشروع باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۸۰). بویژه این‌که با گسترش نظام‌های بیمه اجباری و تأمین اجتماعی و صندوق‌های جبران خسارت، دیگر نباید نگران حق فعالیت و آزادی واردکنندگان زیان بود.

۲-۱. مبانی اجتماعی

یکی از اهداف مسؤولیت مدنی، بازدارندگی است؛ بدین معنی که تحمیل مسؤولیت مدنی بر فاعل زیان، نه تنها او را از ارتکاب مجدد فعل زیانبار باز می‌دارد، بلکه سایرین را نیز از انجام اقدامات زیان‌آور منع می‌کند. همانطور که در پزشکی «پیشگیری بهتر از درمان است»، در امور اجتماعی و اقتصادی نیز، پرهیز از خطر و دفع ضرر مقدم بر نهاد جبران خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۸۴ (الف)، صص ۸-۹). برای تحقق چنین هدفی، مسؤولیت محض نیروی بازدارنده

^۱ در خصوص نقد معیار انسان متعارف برای تشخیص تقصیر ر.ک.: (بادینی، ۱۳۸۹ (الف)، صص ۸۵ به بعد).

قویتری از مسئولیت مبتنی بر تقصیر محسوب می‌شود. چون در نظام مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به دلیل ناتوانی زیان‌دیده در اثبات تقصیر خوانده و معافیت وی از مسئولیت، فاعل بالقوه زیان احتیاط لازم را برای احتراز از ورود ضرر انجام نخواهد داد، ولی در مسئولیت محض، وی مراقبت خواهد کرد تا ضرری به دیگران نرساند و رعایت احتیاط بیشتر به بازدارندگی می‌انجامد. مهم‌ترین امتیاز دعوای مبتنی بر مسئولیت محض، بر دادرسی مبتنی بر تقصیر، آسان شدن اثبات ارکان دعواست؛ بدین ترتیب که در نظام مسئولیت محض، نه تنها نیازی به اثبات تقصیر خوانده نیست، بلکه برای اثبات رابطه سببیت نیز سخت‌گیری نمی‌شود و با انجام دادن فعل زیانبار، و به دیگر سخن، فعلی که به ظاهر سبب ورود خسارت است، رابطه سببیت مفروض است. پس خوانده برای رد وجود رابطه مزبور، باید ثابت کند که ضرر منتسب به او نیست یا قوه قاهره رابطه ضرر را با فعل او قطع کرده است. برای مثال، در اتلاف یا حوادث ناشی از وسایل نقلیه موتوری زمینی، هرگاه خسارت به ظاهر منتسب به خوانده باشد، وی برای رفع مسئولیت از خود باید آن را به قوه قاهره منتسب کند (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۵)؛ یا در حوادث پزشکی، اماره انتساب تلف به فعل پزشک، زیان‌دیده را از اثبات رابطه مزبور معاف می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷ (ب)، ص ۱۷۹). در عیب تولید نیز، همین که زیان‌دیده وجود عیب در کالا را اثبات کند، رابطه سببیت مفروض است و این خوانده است که باید فقدان این رابطه را اثبات نماید.

از هدف‌های اصلی جبران خسارت، توزیع ضرر ناشی از حوادث طبیعی و ناخواسته است. همان گونه که مزایا و منافع باید عادلانه تقسیم شود، همبستگی اجتماعی اقتضا می‌کند که خسارات ناشی از زندگی اجتماعی نیز میان بهره‌مندان از حادثه یا کالای خطرناک توزیع گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۷ (ب)، صص ۲۰۲-۲۰۳). چنین هدفی با مسئولیت محض امکان تحقق دارد. تحمیل مسئولیت بر فعالین فعالیت‌های خطرناک و زیانبار، مثل تولیدکنندگان کالاهای خطرآفرین، آنها را وادار به بیمه کردن مسئولیت خود می‌کند و با افزودن حق بیمه بر بهای محصول، سرانجام آنها را میان خیل عظیم مصرف‌کنندگان تقسیم می‌کنند. نباید چنین پنداشت که در اجرای این سیاست، تولیدکننده از گردونه مسئولیت خارج می‌شود. زیرا رقابت در بازار دادوستد، مانع از این است که عرضه‌کننده به هر میزان که بخواهد بر بهای آن بیفزاید. پس ناچار است یا بخشی از حق بیمه را از سود کارگاه بپردازد یا با صرف هزینه‌های اضافه، بر درجه احتیاط کالا بیفزاید و از حق بیمه بکاهد.

هرچند نظام مسئولیت محض، به علت آسان بودن اثبات ارکان دعوا، موجب افزایش طرح دعوای خواهد شد؛ اما از طرح بسیاری از دعوای بیهوده جلوگیری می‌کند. در صورت عدم پذیرش مسئولیت محض تولیدکننده، هر خریداری، به علت نقض تعهد ضمنی ایمنی فروشنده و دشواری اثبات تقصیر سازنده، بر دست قبلی خود طرح دعوا خواهد کرد تا به تولیدکننده منتهی شود. پذیرش مسئولیت محض از این همه اتلاف وقت و اطاله دادرسی و هزینه جلوگیری می‌کند.

۳-۱. مبانی اقتصادی

یکی از مهم‌ترین مبانی که برای توجیه مسؤلیت محض می‌توان ذکر کرد، آن است که شخصی که محیط خطرناکی را ایجاد می‌کند و از این محیط نفع می‌برد، باید زیان‌های ناشی از این محیط خطرناک را جبران کند. این امر در روابط کار و تولیدات صنعتی مطرح می‌شود؛ جایی که کارفرمایان و سرمایه‌داران از سود سرشار حاصل از فعالیت کارگران و تولیدات صنعتی بهره می‌برند، اما چون زیان‌دیده قادر به اثبات تقصیر نیست، یا تقصیری به معنای مرسوم آن رخ نداده، از جبران خسارت محروم می‌شوند و تعادل اقتصادی دو طرف بیش از پیش بر هم می‌خورد. بنابراین تحولات اقتصادی و نیازهای اجتماعی در این موارد جبران خسارت زیان‌دیده را ایجاب می‌کند، هرچند کسی مرتکب تقصیر نشده باشد.

مسؤلیت محض یکی از مهم‌ترین راه‌های درونی کردن هزینه‌های خارجی^۱ است، زیرا به طور مستقیم افراد را به تحمل هزینه‌های فعالیت‌شان وامی‌دارد. در واقع با برقراری نظام مبتنی بر مسؤلیت محض، چون هر فعالیتی هزینه واقعی خود را تحمل می‌کند، سطح فعالیت‌ها به میزانی که از نظر اجتماعی مطلوب است، خواهد رسید. (Coleman, 1992, pp. 240-241)

نظریه درونی کردن هزینه‌های خارجی، یکی از مهم‌ترین مبانی نظری مسؤلیت محض ناشی از عیب تولید در آمریکا می‌باشد (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۴۱۷).

هزینه دادرسی و اداره نظام مسؤلیت مبتنی بر تقصیر از نظام مسؤلیت محض بیشتر است؛ این تفاوت به‌ویژه در دعاوی مسؤلیت ناشی از عیب تولید روشن است. اگر مسؤلیت تولید-کننده مبتنی بر تقصیر باشد، اثبات عیب کالا مستلزم ارجاع به کارشناس و پرداخت هزینه‌های سنگین برای اظهارنظر در خصوص تقصیر یا عدم تقصیر تولیدکننده است. در نظام مسؤلیت محض این هزینه‌ها صرف اثبات رابطه سببیت می‌شود که هزینه اثبات آن کمتر از اثبات تقصیر است. (Mattiacci & Parisi, p. 12; Coleman, 1992, p. 248)

۴-۱. مبانی فقهی

در حقوق اسلام، اسباب و موجبات ضمان را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: ۱- اضرار به غیر ۲- وضع ید بر مال غیر ۳- انتفاع از مال یا عمل غیر. مبنای مسؤلیت در وضع ید بر مال غیر، استیلاء است؛ به این معنی که هر کس بر مال دیگری مسلط شود، بدون این که امین بر آن باشد، در برابر مالک مسئول است، خواه به مالک ضرر برسد یا نه. کسی که آغاز تصرفاتش در مال غیر، امانی و از روی اذن بوده، ولی تعدی و تفریط می‌کند، نیز تابع همین حکم است. در انتفاع از مال یا عمل غیر، استیفاء و بهره‌مند شدن از مال یا کار دیگری مبنای مسؤلیت را

^۱ برای ملاحظه مفهوم هزینه خارجی ر.ک: (موریس و اون، ۱۳۸۰، صص ۳۴۸-۳۵۰؛ Cooter & Ulen, 2000, pp.40-42).

تشکیل می‌دهد، حتی اگر ضرری متوجه او نشود. در خصوص مبنای مسئولیت در اضرار به غیر، مبانی مختلفی، از جمله: اتلاف، تسبیب، غرور و تعدی و تفریط مطرح شده است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹). در مسئولیت کسی که با تقصیر خود به دیگری ضرر می‌زند، تردیدی وجود ندارد. اما سؤال این است که آیا تقصیر رکن مسئولیت است و بدون آن مسئولیت محقق نمی‌شود؟ از ادله حجیت قاعده اتلاف (محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹) و برخی از روایات (حرّ عاملی، ۱۴۱۹، ص ۲۷۷؛ خویی، ۱۳۹۶، صص ۳۰۲-۳۰۳ و ۳۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، صص ۲۲۹-۲۳۰؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، صص ۲۷۸-۲۷۹) بر می‌آید که بنای مسولیت بر تقصیر استوار است و بدون آن ضمانی محقق نمی‌شود. ولی برخی بر این باورند که از اطلاق قاعده اتلاف و فتاوی فقها فهمیده می‌شود که تقصیر رکن مسئولیت نیست و مبنای آن ورود ضرر به دیگری است و معیار آن نیز صدق عرفی اتلاف می‌باشد. عبدالفتاح مراغی معتقد است: «اتلاف گاهی به مباشرت است و گاهی به تسبیب... تفاوتی بین مواردی که متلف مباشر یا مسبب یا امثال آن باشد نیست. مباشر و سبب مرتبه خاصی ندارند، گاهی شخص سبب و گاهی سبب سبب است... بنا بر آنچه از نص و فتوی بر می‌آید، چون منشأ ضمان اتلاف است، محور مسئولیت صدق تلف بر حسب عرف است... پس شایسته است که صدق عرفی تلف معیار قرار گیرد» (حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ص ۴۳۵). مؤلف تحریر المجله می‌گوید: «اتلاف در میان فقها دو نوع است: به مباشرت و به تسبیب. تمام انواع اتلاف، تسبیب هستند. البته خود سبب گاهی نزدیک و گاهی دور است که به اولی مباشرت و به دومی تسبیب گفته می‌شود. در هر حال همه اینها موجب مسئولیت هستند و ضابطه در این مورد اسناد عرفی اتلاف به تلف‌کننده است» (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ص ۱۴۱).

در این بین، عده‌ای از حقوقدانان بین اتلاف و تسبیب فرق گذاشته و معتقدند در اتلاف تقصیر شرط نیست، ولی در تسبیب، تقصیر رکن مسئولیت است و بدون آن ضمان محقق نمی‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، صص ۲۹۱-۲۹۳؛ امامی، ۱۳۸۵، صص ۳۸۶-۳۸۷). برخی دیگر معتقدند که در حقوق اسلامی، تقصیر مبنای مسئولیت محسوب نمی‌شود و کاربرد عباراتی نظیر تعدی، تفرط و تقصیر توسط فقها برای احراز رابطه سببیت است (لنگرودی، ۱۳۸۷، ش ۱۶۲۵؛ بابایی، ۱۳۸۱، صص ۷۹ و ۸۸؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۵۹). استاد کاتوزیان، پس از بحث از مبانی مسئولیت در فقه، این گونه نتیجه گرفته‌اند: «در حقوق اسلام جبران خسارت زیان‌دیده بیش از مکافات دادن عامل مورد توجه است. قانون‌گذار هیچ ضرری را جبران نشده باقی نمی‌گذارد، هر چند که عامل ورود آن مقصر نباشد... در حقوق اسلام همین اندازه که در نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت می‌شود و در این راه وضع روانی و جسمی عامل سهم‌ناچیزی دارد. جایی هم که مبنای ضمان تقصیر است، این مفهوم جنبه نوعی دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷ (الف)، صص ۱۶۵-۱۶۶). استاد صفایی هم معتقدند: «اشاره به تعدی و تفریط یا تقصیر در باب تسبیب، نه از باب آن است که تقصیر رکن یا مبنای مسئولیت است، بلکه از آن روست که چه بسا بدون تقصیر رابطه سببیت عرفی بین عمل شخص و خسارت وارده احراز نمی‌شود» (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

بنابراین، طبق این دیدگاه غالب، آنچه که مبنای مسؤولیت را در فقه تشکیل می‌دهد، به مسؤولیت محض بسیار نزدیک‌تر است تا به نظریه تقصیر؛ هر چند که در بسیاری از موارد از مفاهیم تعدی، تفریط و عدوان برای احراز رابطه سببیت یا قابلیت انتساب استفاده می‌شود و نمی‌توان نقش تقصیر را به کلی در فقه انکار کرد. در واقع، در مواردی خاص دلایلی ویژه مسؤولیت مبتنی بر تقصیر را ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، در تزامم قاعده اتلاف و احسان، حکومت با قاعده احسان است و احسان کننده ضامن نیست، مگر اینکه مرتکب تقصیر شود (بجنوردی، ۱۴۱۹، صص ۱۲-۱۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۲۸۳؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ص ۴۷۷). هم‌چنین، در تزامم قاعده تسبیب و تسلیط، قاعده تسبیب در مقابل ادله جواز بدون ضمان ناشی از قاعده تسلیط، توانایی مقابله ندارد و مالک تنها در صورت تقصیر مسؤول می‌باشد (قمی، بی‌تا، ص ۲۳۶؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ص ۲۸۸). مقرراتی که در قانون مدنی مسؤولیت را بر تقصیر قرار می‌دهد، از جمله مواد ۱۳۲، ۳۳۳ و ۳۳۴ و همچنین مواد ۳۴۷ تا ۳۵۰ و ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۴۵، ق.م.ا. استثنای مذکور را تأیید می‌کند.

۲. مصادیق مسؤولیت محض در حقوق ایران

همان‌طور که گذشت، مبنای مسؤولیت مدنی در فقه امامیه با مسؤولیت محض سازگارتر است تا تقصیر و باید بر آن بود که مسؤولیت محض اصل است و مسؤولیت مبتنی بر تقصیر استثنا تلقی می‌شود؛ ولی ماده یک قانون مسؤولیت مدنی، مبنای مسؤولیت مدنی را بر نظریه تقصیر بنا نهاده و حقوقدانان ما بر اساس این ماده معتقدند که در نظام حقوقی ایران، اصل بر مسؤولیت مبتنی بر تقصیر است و مسؤولیت بدون تقصیر استثناء محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷(الف)، ص ۲۲۰؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۸۵؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، صص ۲۹۳-۲۹۴ و ۳۴۳). بنابراین شایسته است مصادیق مسؤولیت محض در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم گردد در چه مواردی قانون‌گذار به جبران خسارت زیاندیدگان بیشتر می‌اندیشد و دامنه این نوع مسؤولیت در چه حوزه‌هایی باید گسترش یابد.

^۱ در حقوق کامن‌لا مسؤولیت محض در کارهایی شناخته شده که طبیعتی خطرناک دارند و موارد شایع آن: مسؤولیت ناشی از سقوط هواپیما، سمپاشی با هواپیما، نگهداری حیوانات وحشی، گندزدایی کردن، مواد قابل انفجار و قابل اشتعال و بطور کلی فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک مشخص شده در طرح حقوق مسؤولیت مدنی است: (Fletcher, 1983, pp. 253-259). در حقوق فرانسه، در زمینه برخی از فعالیت‌ها و صنایع خطرناک، مسؤولیت بدون تقصیر یا محض در قوانین مختلف مقرر شده است، از جمله: مسؤولیت سازندگان و دارندگان سیم نقل‌دهنده، مسؤولیت دارنده هواپیما، مسؤولیت زیان‌های ناشی از نشت یا پرتاب مواد سوختنی، مسؤولیت زیان‌های ناشی از انرژی هسته‌ای، جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی و مسؤولیت زیان‌های ناشی از فرآورده‌های معیوب: (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵؛ بادینی، ۱۳۸۹، صص ۷۶-۵۷).

۲-۱. موارد مرسوم مسئولیت محض

در حقوق ایران مصادیقی از مسئولیت محض در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی یافت می‌شود که از پیشینه فقهی برخوردار است و هر کدام بر اساس مبانی خاص خود قابل توجیه است و ممکن است مبانی گفته شده در مورد آنها صدق نکند:

۲-۱-۱. اتلاف

قانون مدنی در ماده ۳۲۸ مقرر می‌دارد: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد». در این ماده برای مسئول شناختن متلف، هیچ نیازی به اثبات تقصیر نمی‌باشد، بلکه کافی است که زیان دیده ورود زیان و رابطه سببیت میان آن و فعل خواننده را اثبات کند و اکنون همه پذیرفته‌اند که قانون مسئولیت مدنی، ماده ۳۲۸ ق.م. را نسخ نکرده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ (الف)، ص ۲۱۷؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۸۴؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۱۸).

۲-۱-۲. مسئولیت پزشک در حالت عدم تحصیل براءت

مسئولیت پزشک از دو جهت قابل بررسی است: از یک سو، او متعهد است بیمار را معالجه و درمان کند که تعهد پزشک در این فرض، تعهد به وسیله و مسئولیت وی مبتنی بر تقصیر است. البته اگر پزشک انجام عمل معینی را که نوعاً در حیطه توان پزشکان است به عهده گیرد، مثل تعهد به انجام عمل زیبایی و جراحی پلاستیک یا ساخت دندان در اندازه و قالب مشخص، در این صورت تعهد وی را باید تعهد به نتیجه دانست و صرف حاصل نشدن نتیجه برای پزشک ایجاد مسئولیت می‌کند. از طرف دیگر، پزشک متعهد است که مراقبت نماید در جریان معالجه و درمان خسارت جدیدی به بیمار وارد نشود. مبانی مسئولیت وی در این فرض، در نظام‌های حقوقی مختلف تحولات زیادی به خود دیده است (کاظمی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴). در حقوق اسلام، مسئولیت پزشک در قبال خسارات وارد بر بیمار اصولاً مبتنی بر تقصیر نیست و صرف وجود رابطه سببیت بین فعل پزشک و خسارت وارده برای مسئولیت وی کفایت می‌کند. نظر ابن‌ادریس، مبنی بر عدم مسئولیت پزشکی که در کارش حادث بوده و کوشش لازم را در معالجه انجام داده، به این دلیل که با اذن بیمار اقدام به معالجه وی نموده و این اذن ضامن را بر می‌دارد و اصل هم براءت است و عمل پزشک نیز مباح است و کار مباح ایجاد ضامن نمی‌کند (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ص ۳۷۳)، مورد انتقاد سایر فقها قرار گرفته و محجور مانده است. شهید ثانی در رد نظر ایشان می‌گویند: اذن بیمار در معالجه و درمان است نه در اتلاف، و اصل اشتغال ذمه نیز مانع اجرای اصل براءت می‌شود و بین جواز فعل و ضامن هم منافاتی وجود ندارد و برای مسئولیت پزشک استدلال می‌کنند که تلف مستند به فعل پزشک است. وی در انجام فعل

قاصد بوده و خطا در نتیجه آن حاصل شده است، پس مانند این است که فعلش شبیه عمد است، هرچند که احتیاط نماید و بیمار نیز اذن به درمان داده باشد (عاملی، ۱۴۱۰، صص ۱۰۸-۱۰۹؛ عاملی، ۱۴۱۶، ص ۳۲۸). صاحب جواهر علاوه بر ذکر ادله شهید ثانی، به روایت سکونی از امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) استناد می‌کند که «من طبَّب أو تبیطر فالیأخذ البرائه من ولیه و آلا فهو ضامن» (نجفی، ۱۳۶۷، صص ۴۳-۴۶). امام خمینی (ره) نیز می‌فرماید: اگر مریض یا ولی‌اش به پزشک حاذق اجازه داد و تلف حادث گردید، قولی مبنی بر عدم ضمان پزشک وجود دارد، ولی قول اقوی ضامن بودن طبیب از اموالش است (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ص ۶۸۹). با چنین پیشینه‌ای، قانون‌گذار نیز در مواد ۳۱۹ و ۳۲۱ ق.م.ا. حکم به مسؤولیت محض پزشک داده است. البته باید خاطر نشان کرد که مسؤولیت محض پزشک در صورتی قابل توجیه است که همراه با نظام بیمه اجباری مسؤولیت مدنی پزشکان باشد تا هم از قربانیان حوادث پزشکی حمایت شود و هم سختی اجرای آن قدرت ابتکار پزشکان را سلب نکند و مانع شکوفایی استعدادهای آنان نشود.^۱

۲-۱-۳. برخی از موارد مسؤولیت محض در قانون مجازات اسلامی

الف. همان‌گونه که از مثال‌های ذکر شده در ماده ۲۹۵ ق.م.ا. و مواد مندرج در باب پنجم آن قانون بر می‌آید، در مواردی (خطای شبیه به عمد و خطای محض) مسؤولیت نسبت به پرداخت دیه مبتنی بر تقصیر نیست و نوعی مسؤولیت محض است: علاوه بر مسؤولیت پزشک که جداگانه از آن بحث شد (ماده ۳۱۹ ق.م.ا.)، کسی که در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری می‌شود، غالباً مقصر نیست، اما عاقله او عهده‌دار پرداخت دیه هستند (ماده ۳۲۳ ق.م.ا.) یا کسی که بی‌اختیار و در اثر لغزش یا عوامل قهری به جایی پرت شود و باعث فوت و صدمه دیگری گردد، مقصر نیست، اما نسبت به پرداخت دیه ضامن است (ماده ۳۲۷).
ب. ماده ۳۶۰ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی با اذن وارد خانه کسی شود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب‌خانه ضامن می‌باشد، خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب‌خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می‌رساند و خواه نداند». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقنن در این مورد تقصیر در نگهداری یا حفاظت را لازم ندانسته و برای صاحب‌خانه مسؤولیت محض مقرر کرده است.

^۱ برخی از حقوقدانان، با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، مناسب دیده‌اند که در کنار قواعد عام مسؤولیت مبتنی بر تقصیر پزشک، نظام جبران خسارت ناشی از حوادث پزشکی ایجاد شود و پیش‌بینی صندوق تضمین خسارت را بهترین روش برای جبران خسارت قربانیان ناشی از حوادث پزشکی دانسته‌اند: (کاظمی، ۱۳۹۰، صص ۱۵۱-۱۶۸).

ج. ماده ۳۶۱ ق.م.ا. بیان می‌دارد: «هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در جایی متوقف نماید، ضامن تمام خسارت‌هایی است که آن حیوان وارد می‌کند». اطلاق ماده شامل موردی نیز می‌شود که حیوان در محل مجاز متوقف شده و سوار از این حیث تقصیری انجام نداده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷ (ب)، ص ۸۴؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، صص ۲۳۳-۲۳۴). بنابراین توجیه آن بر مبنایی غیر از مسئولیت محض دشوار است.

د. در ماده ۳۳۶ ق.م.ا. آمده است که هرگاه در اثر برخورد دو سوار، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند، حتی اگر هیچ‌کدام مقصر نباشند، هرکدام مکلف به پرداخت نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری است. این ماده حکم ماده ۳۳۵ ق.م.ا. را که مسئولیت را در فرض تصادم بین دو وسیله نقلیه مبتنی بر تقصیر می‌داند، تخصیص زده است.

۲-۲. موارد مسئولیت محض در قوانین جدید

گفته شد که ماشینی شدن زندگی انسان و افزایش تولیدات و محصولات که انسان را در معرض خطرات جدید قرار داده، زمینه‌ساز تصویب قوانین جدید مبتنی بر مسئولیت محض شده است. در حقوق ایران از جمله مهم‌ترین این موارد می‌توان به مسئولیت دارنده اتومبیل و مسئولیت تولید کننده کالا اشاره کرد که ورود مسئولیت محض در این حوزه‌ها به دلیل نداشتن پیشینه فقهی با دشواری‌هایی روبرو بوده است.

۲-۲-۱. مسئولیت دارنده اتومبیل

در نظام‌های حقوقی مدت‌هاست که دیگر حوادث رانندگی تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست و برای آن نظام خاص مبتنی بر مسئولیت محض و بیمه اجباری (عدالت توزیعی) برقرار شده است. دلایل این برخورد ویژه که عمدتاً به مشکل اثبات تقصیر و لزوم حمایت بیشتر از زیان‌دیدگان بر می‌گردد، عبارت است از: ۱. افزایش شمار حوادث رانندگی و خسارات سنگین ناشی از آن؛ ۲. دخالت عوامل غیر انسانی و اشتباهات انسانی در روی دادن حوادث رانندگی؛ ۳. تعدد عوامل دخیل در روی دادن یک حادثه رانندگی؛ ۴. خسارات بدنی هنگفت ناشی از حوادث رانندگی که نیاز به همبستگی اجتماعی را ایجاب می‌کند (بادینی، ۱۳۷۶، صص ۵۴-۷۰). در ایران هم افزایش روزافزون استفاده از اتومبیل نیاز به تحول در این حوزه را ایجاب می‌کرد. قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی در این باره حکم ویژه‌ای مقرر نکرده و حوادث رانندگی را تابع قواعد عمومی قرار داده است. اما، سرانجام نیازها قانونگذار را وادار کرد تا در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۴۷، نه تنها برای دارندگان اتومبیل مسئولیت محض مقرر کند، بلکه آنان را مکلف نماید تا وسیله نقلیه خود را در مقابل زیان‌هایی که ممکن است در نتیجه آن به اشخاص ثالث وارد می‌شود، بیمه نمایند. این

برداشت مبتنی بر اطلاق عبارت ماده یک قانون مزبور بود که بیان می‌داشت: «کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی... مسؤول جبران خسارت بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسائل نقلیه مزبور و یا محصولات آنها به اشخاص ثالث وارد می‌شود». اما، در ماده یک قانون جدید بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ این عبارت حذف شده و تنها به تکلیف دارندگان نسبت به بیمه وسایل نقلیه موضوع آن قانون اشاره شده است. حذف عبارت فوق از متن ماده یک ممکن است این تصور را بوجود آورد که قانونگذار مسؤولیت دارندگان وسایل نقلیه را تابع قواعد عمومی مسؤولیت مدنی قرار داده و بدون پرداختن به مسائل ماهوی مسؤولیت، تنها در صدد برقراری نظامی برای جبران خسارات ناشی از آن حوادث وسایل نقلیه از طریق بیمه اجباری است. اما، با وجود این تغییر، دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد، مسؤولیت دارنده مبتنی بر تقصیر نیست و جنبه نوعی دارد:

۱. دلیل اصلی مبتنی بر مبانی نظری و فلسفه وجودی این قانون است. در واقع، همان‌طور که در بحث از دلایل برقراری نظام خاص برای حوادث رانندگی گفته شد، مهم‌ترین علت تصویب قوانین و نظام‌های خاص در این حوزه، حذف تقصیر از زمره شرایط جبران خسارت زیان‌دیدگان و در عین حال تضمین پرداخت خسارت از طریق بیمه اجباری بوده است. به دیگر سخن، خاص بودن این نظام‌ها به دلیل «برقراری مسؤولیت محض» و «دنبال کردن توزیع ضرر از طریق بیمه اجباری» است، لذا حذف هر کدام از آنها قانون را از رسالت اصلی خود دور می‌کند. وانگهی، بعید است که بر خلاف سیر تحول جهانی در این زمینه، قانونگذار در صدد بازگشت به نظام سنتی مسؤولیت مدنی باشد که مدت‌هاست در زمینه جبران خسارات ناشی از حوادث رانندگی فرسوده شده است.

۲. در تبصره ۲ ماده ۱ قانون اعلام شده است: «مسؤولیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسؤولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارده از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد». مفاد این تبصره به روشنی نشان می‌دهد که در حوادث رانندگی دو نوع مسؤولیت می‌تواند وجود داشته باشد: الف- مسؤولیت دارنده که منوط به ارتکاب تقصیر و حتی انتساب فعل زیانبار به او نیست، بلکه کافی است که میان کنش وسیله نقلیه و ورود ضرر رابطه سببیت وجود داشته باشد و ب- مسؤولیت اشخاص ثالثی که حادثه ناشی از تقصیر یا فعل زیانبار آنان است. برای مثال، فرض کنید به دلیل استفاده از قطعه‌ای معیوب در ساخت خودرو که دارنده از آن اطلاعی ندارد، خودرو دچار آتش‌سوزی می‌شود و به اشخاص ثالث خسارت وارد می‌آید. در این حادثه، خسارت ناشی از تقصیر شرکت سازنده خودرو است و دارنده تقصیری ندارد و حتی می‌توان گفت که حادثه منسوب به او نیست. با این‌همه، دارنده و به تبع او بیمه‌گر در مقابل زیان‌دیدگان مسؤولیت دارند و زیان‌دیدگان می‌توانند بر مبنای قانون بیمه اجباری از دارنده و بیمه‌گر او تقاضای جبران خسارت کنند و یا این که طبق

قواعد عمومی مسئولیت مدنی علیه شرکت خودروسازی طرح دعوا نمایند. دارنده یا شرکت بیمه بعد از جبران خسارت زیان‌دیده به قائم مقامی از زیان‌دیده حق مراجعه به مقصر را خواهد داشت. ۳. تأکید بسیاری از مواد این قانون بر رابطه سببیت (تبصره ۶ ماده یک، مواد ۵ و ۶، تبصره ۱ و ۲ ماده ۷) و عدم ذکر تقصیر، نشان از مسئولیت محض دارنده دارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵). اگر مبنای مسئولیت دارنده تقصیر او باشد، باید اثبات عدم تقصیر او را از مسئولیت معاف کند؛ در حالی که برای معاف شدن از مسئولیت اثبات عدم تقصیر کافی نیست و دارنده ناچار است سبب خارجی و احترازناپذیر تصادم را در دادگاه ثابت کند. در ماده ۷ خسارات ناشی از قوه قاهره از موارد عدم پوشش بیمه حذف شده و نوعی مسئولیت مطلق دارنده را به ذهن می‌رساند، اما باید توجه داشت که ماده ۷ مواردی را ذکر کرده که علی‌رغم تحقق مسئولیت مدنی، بیمه‌گر تعهدی به جبران خسارت ندارد و، همانطور که می‌دانیم، در فرض وجود قوه قاهره مسئولیت مدنی منتفی است؛ هر چند تعهد بیمه‌گر به جبران خسارات زیان‌دیده به قوت خود باقی است.

۲-۲-۲. مسئولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات

در قرن گذشته مبانی مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات نیز بر اساس سه پایه دچار تحول شده است: مصرف‌کنندگان بطور طبیعی در موضع ضعیف‌تری نسبت به متخصصین قرار دارند؛ قانون باید از ضعیف در مقابل قوی حمایت کند و حقوق مدنی مرسوم برای حمایت از مصرف‌کنندگان ناتوان شده است (له‌لوا، ۱۳۷۷، ص ۲۵۱). مطابق قواعد مرسوم مسئولیت مدنی، مصرف‌کننده نیز مانند سایر زیان‌دیدگان، باید تقصیر تولیدکننده کالا و ارایه دهنده خدمت را ثابت می‌کرد تا بتواند به دلیل عیب کالا یا خدمت از آنها خسارت بگیرد. اما، به دلیل مصرفی شدن بیش از پیش جامعه و در نتیجه افزایش تنوع کالاها و خدمات و پیچیدگی روند تولید و ارایه آنها، در غالب موارد مصرف‌کننده در این زمینه ناکام می‌ماند، زیرا لازمه اثبات تقصیر این است که مصرف‌کننده احاطه و آگاهی لازم را در خصوص چگونگی ساخت کالا و ترکیبات و موارد ایمنی آن داشته باشد؛ در حالی که با توجه به وجود کالاها و محصولات مختلف و تخصصی نباید از مصرف‌کننده که اصولاً فردی عادی و غیرحرفه‌ای است، چنین انتظاری داشت. وانگهی، امکانات مالی و فنی عرضه‌کننده که در قالب شرکت یا بنگاه اقتصادی فعالیت می‌کند، موفقیت در دعوای مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر را برای مصرف‌کننده کم می‌کند (بادینی، ۱۳۷۶، صص ۷۱-۷۵؛ Gordley & Mehren & Taylor, 2009, pp. 404-405). از طرف دیگر، اثبات تقصیر عرضه‌کننده مستلزم ارجاع موضوع به کارشناس و پرداخت هزینه‌های سنگین برای اظهار نظر در خصوص تقصیر یا عدم تقصیر است. با توجه به این واقعیت، در نظام‌های پیشرفته مسئولیت مدنی سعی شده است تا در قالب‌های حقوقی زیر از مصرف‌کننده حمایت به عمل آید: ۱- استفاده از اماره تقصیر: در این روش به جای این که

مصرف‌کننده مجبور باشد تقصیر عرضه‌کننده را ثابت کند، این عرضه‌کننده است که باید برای اثبات بی‌تقصیری خود دلیل اقامه نماید. ۲- مسؤولیت مبتنی بر تضمین سلامت کالا و خدمت: بر طبق این نظر در معامله هر کالا یا خدمت نوعی تضمین صریح یا ضمنی به سود مصرف‌کننده وجود دارد که به موجب آن عرضه‌کننده تعهد می‌کند که کالا و خدمت سالم و بی‌عیب در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد. نقض این تعهد مسؤولیت قراردادی و تکلیف به جبران خسارت را به همراه دارد. ۳- مسؤولیت محض^۱: در این نظریه صرف وجود رابطه سببیت بین عیب کالا یا خدمت و ورود ضرر کافی است و نیازی به اثبات تقصیر عرضه‌کننده نیست. همچنین برای استناد به این مسؤولیت لازم نیست بین زیان‌دیده و عرضه‌کننده رابطه قراردادی وجود داشته باشد.

هر چند قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ایران مصوب ۱۳۸۸ در برخی از زمینه‌ها مانند تشکیل انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، لزوم ارائه اطلاعات لازم به مصرف‌کنندگان و غیره دارای نوآوری‌هایی است، اما متأسفانه در خصوص مبنا و قلمرو مسؤولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات، نه تنها متضمن نوآوری در نظام حقوقی نیست، بر ابهامات موجود نیز افزوده است. این در حالی است که در لایحه تقدیمی دولت به مجلس تمام تدابیر لازم در این زمینه پیش‌بینی شده بود. در واقع، در این قانون سعی شده است تا مبنا و قلمرو مسؤولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات در قالب بابهای بیع و اجاره خدمات در فقه محصور شود.

ماده ۲ قانون در عبارتی بسیار کلی اعلام داشته است: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند...». هر چند در صدر ماده فوق مسؤولیت مبتنی بر تضمین سلامت کالا و خدمت برای عرضه‌کنندگان پذیرفته شده است، اما قید «مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات» دامنه این تعهد را با ابهام روبرو کرده است و حتی می‌توان گفت که این ماده در خصوص مبنای مسؤولیت عرضه‌کننده کالاها و خدمات متضمن حکم جدیدی نیست و این موضوع را به سایر قوانین، قرارداد و عرف ارجاع داده است. در حالی که این قانون به عنوان مرجع اصلی حقوق مصرف‌کننده باید به صراحت در این زمینه تعیین تکلیف می‌کرد. سایر مواد قانون نیز این ابهام را بر طرف نساخته و حذف برخی از مواد لایحه بر این ابهام افزوده است؛ از جمله حذف ماده ۲۲ لایحه که در آن مقرر شده بود که در دعوی مطالبه خسارت، مصرف‌کننده زیان‌دیده تنها کافی است ثابت کند که به او زیان وارد شده و این زیان ناشی از عیب کالا یا خدمت بوده است.

قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ در ماده ۳ به روشنی تعهد عرضه‌کننده در طول مدت ضمانت دایر بر تأمین ایمنی و سلامت خودرو را تعهد به نتیجه دانسته

^۱ در این زمینه ر.ک.: ناصر کاتوزیان، ۱۳۸۴(ب)، صص ۱۸۳ به بعد.

است و او با اثبات بی‌تقصیری خود نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. البته ماده فوق در خصوص مسئولیت عرضه‌کننده در خارج از مدت ضمانت حکمی ندارد و از این سکوت ممکن است این‌گونه برداشت شود که مسئولیت عرضه‌کننده محدود به مدت ضمانت است و خارج از مدت ضمانت نسبت به جبران خسارات ناشی از عیب خودرو مسئولیتی ندارد. اما، این توهم را باید از ذهن زدود، زیرا این قانون جنبه حمایتی دارد، لذا تفسیر قانون باید به نفع مصرف‌کننده خودرو باشد نه عرضه‌کننده. از این رو، باید در خصوص مسئولیت عرضه‌کننده خودرو بین دو فرض تفکیک قائل شد: مسئولیت عرضه‌کننده در مدت ضمانت که مبتنی بر تقصیر نیست و از نوع تعهد به نتیجه است و مسئولیت عرضه‌کننده در خارج از مدت ضمانت که تابع قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ و قواعد عمومی است.

نتیجه

هر چند به خاطر نقش بازدارنده تقصیر و ارزش اخلاقی آن و نیز امکان استفاده از تقصیر برای سیاست‌گذاری، عنصر تقصیر را نمی‌توان از مسئولیت مدنی حذف کرد، اما ناکارآمدی و عدم تناسب تقصیر در برخی از زمینه‌ها و نتایج ناعادلانه آن و تلاش برای رسیدن به اهدافی مانند جبران کامل خسارت زیان‌دیده، درونی کردن هزینه‌های خارجی، آسان شدن اثبات ارکان دعوای مسئولیت مدنی، توزیع و سرشکن کردن زیان‌های اتفاقی و وادار ساختن اشخاص به رعایت احتیاط بیشتر، لازم می‌دارد تا مسئولیت محض دست کم در خصوص فعالیت‌های خطرناکی که ضررهای غیرمقابلی را به اعضای جامعه تحمیل می‌کند، اعمال شود؛ بویژه با گسترش نظام‌های بیمه اجباری و تأمین اجتماعی و صندوق‌های جبران خسارت، دیگر نباید نگران حق فعالیت و آزادی واردکنندگان زیان بود، زیرا از طریق این نهادهای حقوقی و سازوکار قیمت، ضرر در بین اعضای جامعه توزیع می‌شود و به فرد خاصی فشار وارد نمی‌آید. در این راستا در نظام‌های حقوقی روز به روز بر دامنه موارد مسئولیت محض افزوده می‌شود، به نحوی که هر چند گفته می‌شود که هم‌چنان اصل بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر است، اما موارد مسئولیت محض آنچنان زیاد شده است که اصل یادشده را با استثنای اکثر روبرو کرده است.

دیدیم که در حقوق ایران مصادیق فراوانی از مسئولیت محض که مبتنی بر مبانی فقهی است یافت می‌شود، اما ظاهراً قانونگذار تمایل چندانی ندارد که دامنه این نوع مسئولیت را به حوزه‌های جدیدی که اعمال مسئولیت محض در خصوص آنها با اجماع جهانی روبرو است، گسترش دهد؛ از جمله مهم‌ترین این حوزه‌ها مسئولیت دارنده اتومبیل در قانون بیمه اجباری سال ۱۳۸۷ است که بر خلاف قانون سال ۱۳۴۷ در آن به صراحت از مسئولیت محض صحبت نشده است و تنها از برخی از مواد آن بطور غیر مستقیم این نوع

مسئولیت قابل استنباط است که روشن است این امر می‌تواند در عمل مشکلاتی را به وجود آورد و قضات و مجریان قانون را دچار سردرگمی و تشتت آراء نماید. هم‌چنین در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ در خصوص مبنای مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات پرسش‌ها و ابهامات زیادی وجود دارد که این امر شرایط جبران خسارت زیان‌دیدگان را نامشخص کرده است. با وجود این که در لایحه دولت به پیروی از قوانین جدید سایر کشورها، برای عرضه‌کنندگان کالا مسئولیت محض پیش‌بینی شده بود، برای تأمین نظر شورای محترم نگهبان، در آن تغییرات اساسی بوجود آمده است، به نحوی که این نوع مسئولیت در قالب باب‌های بیع و اجاره خدمات در فقه محصور شده است. حال آن که دیدیم که در فقه، قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی موارد زیادی از مسئولیت محض یافت می‌شود و حتی پاره‌ای بر این باورند که مسئولیت مدنی در فقه امامیه مبتنی بر «قابلیت استناد» است نه «تقصیر» و کمک گرفتن از معیارهایی نظیر عدوان، تعدی و یا تفریط برای نشان دادن صدق عرفی ضمان است. از این رو، پیشنهاد می‌شود که مسئولیت محض نه تنها در دو مورد اخیر، بلکه در موارد دیگری نیز مانند مسئولیت ناشی از انرژی هسته‌ای، مسئولیت دارنده هواپیما در مقابل ساکنان روی زمین، مسئولیت متصدیان تله-کابین و مسئولیت کسانی که به فعالیت‌های خطرناکی مانند حمل و نقل مواد قابل انفجار و قابل اشتعال می‌پردازند، مقرر گردد تا نظام حقوقی ما از تحولات جهانی عقب نماند و حقوق زیان‌دیدگان تضییع نشود.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

۱. امامی، سید حسن (۱۳۸۵)، *حقوق مدنی*، ج ۱، چ ۲۶، تهران: انتشارات اسلامیه.
۲. بابایی، ایرج (۱۳۸۱)، «بررسی عنصر خطا در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، مجله پژوهش حقوق، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۷، صص ۸۹-۴۹.
۳. بادینی، حسن (۱۳۷۶)، *اثر پیشرفت صنایع و علوم بر تحول مسئولیت مدنی*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، با راهنمایی استاد دکتر ناصر کاتوزیان.
۴. بادینی، حسن (۱۳۸۴)، *فلسفه مسئولیت مدنی*، چ ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بادینی، حسن (۱۳۸۹-الف)، «نگرشی انتقادی به معیار انسان متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، صص ۷۳-۹۳.
۶. بادینی، حسن (۱۳۸۹-ب)، «مسئولیت مدنی غیر قراردادی متصدی حمل و نقل هوایی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۷۶-۵۷.

۷. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰)، «تحول جهانی مبانی مسئولیت مدنی به سوی مبانی نفی ضرر»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، صص ۵۹-۷۴.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۱، چ ۱، تهران: گنج دانش.
۹. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، *اصول مسؤولیت مدنی*، ترجمه محمد ادیب، چ ۲، تهران: میزان.
۱۰. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، *حقوق مدنی*، ج ۳: آثار قراردادهای و تعهدات، چ ۱، تهران، مجد.
۱۱. صفایی، سیدحسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۳۸۹)، *مسؤولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چ ۱، تهران: سمت.
۱۲. قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، *مبانی مسؤولیت مدنی*، چ ۵، تهران: نشر میزان.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴-الف)، *مسؤولیت ناشی از عیب تولید*، چ ۱، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷-الف)، *الزامهای خارج از قرارداد: مسؤولیت مدنی*، ج ۱: قواعد عمومی، چ ۸، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷-ب)، *الزامهای خارج از قرارداد: مسؤولیت مدنی*، ج ۲: مسؤولیت های خاص و مختلط، چ ۸، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴-ب)، «حمایت از زیان‌دیده و مسؤولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸، صص ۱۷۹-۱۹۸.
۱۷. کاظمی، محمود (۱۳۸۳)، *مسؤولیت مدنی ناشی از اعمال پزشکی*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۸. کاظمی، محمود (۱۳۹۰)، «ضرورت تغییر نظام مسؤولیت مدنی پزشکی در حقوق ایران با نگاهی به تحولات ایجاد شده در حقوق فرانسه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۶۸.
۱۹. له‌آلوا، ژان (۱۳۷۷)، «معرفی حقوق مصرف‌با مقدمه‌ای از مترجم»، ترجمه عباس قاسمی حامد، مجله حقوقی، شماره ۲۳، صص ۲۳۹-۲۵۸.
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۵)، *قواعد فقه: بخش مدنی*، چ ۱۳، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۱. موریس، اس چارلز و اون آر فیلیپس (۱۳۸۰)، *تحلیل اقتصادی: نظریه و کاربرد*، ترجمه حسن سبحانی، چ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ب. غیرفارسی**
۲۲. بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹)، *القواعد الفقهیه*، ج ۴، الطبعة الأولى، قم: نشر الهادی.
۲۳. عاملی، محمد (حر) (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، ج ۲۹، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).

۲۴. الحسینی المراغی، عبدالفتاح (۱۴۱۸)، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، چاپ الأولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. حلی، محمد (ابن ادریس) (۱۴۱۰)، *السرائر*، ج ۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶)، *مبانی تکمله المنهاج*، ج ۲، چ ۲، قم: لطفی و دارالهادی.
۲۷. سیستانی، سید علی (۱۴۱۷)، *منهاج الصالحین*، ج ۲، چ ۵، قم: دفتر آیه الله سیستانی.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷)، *تهذیب الأحکام*، ج ۱۰، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۹. عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۰)، *روضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه*، ج ۱۰، نجف: منشورات جامعه النجف، نسخه أفست، الطبعه الأولى، قم: منشورات مکتبه الداوری.
۳۰. عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۶)، *مسالك الأفهام*، ج ۱۵، الطبعه الاولي، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۳۱. فاضل لنکرانی (بی تا)، محمد، *القواعد الفقهیه*، الطبعه الأولى، قم: چاپخانه مهر.
۳۲. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹)، *تحریر المجله*، ج ۳، طهران-قم: مکتبه النجاج.
۳۳. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۱)، *تحریر الوسيله*، ج ۲، تهران: مکتبه الاعتماد.
۳۴. قمی، میرزا ابوالقاسم (بی تا)، «*تصرف المالک مع تضرر الغير به*»، مجله فقه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ش: ۱۳، صص ۲۳۰-۲۳۷.
۳۵. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام*، ج ۴۳، تهران: دارالکتب السلامی.
36. Coleman, Jules (1992), *Risks and Wrongs*, Cambridge Studies in Philosophy and Law, first Published, Cambridge University press.
37. Cooter, Robert & Thomas Ulen (2000), *Law and Economics*, 3rd edition, Adisson-Wesley Longman, Inc.
38. Fletcher, George (1983), *Fairness and Utility In Tort Theoriy*, U.S.A., Rowman & Littlefield Publishers, Inc.
39. Jourdain, Patrice (2007), *Les principes de la responsabilité civile*, 7^{ème} edition, Dalloz.
40. Jutras, Danial (1993), "*Louis and the Mecanical Beast or Josserand's Contribution to Objective Liability in France*", *In Tort Theory*, Edited by Ken Cooper-Stephenson & Elaine Gibson, Captus University Publications.
41. Levmore, Saul (1994), *Rethinking Comparative Law: Variety and Uniformity in Ancient and Modern Tort Law*, *In Foundations of Tort Law, Collection of essays*, Edited by Saul Levmore, New York: Oxford University Press.
42. Marty et Rynaud (1962), *Droit civil*, t.II, Paris: 1e Volume,.
43. Mattiacci, Guiseppe & Francesco Parisi, *The Economics of Tort Law: A Précis*, Utrecht school of Economics, Tjalling C. Koopmans Research Institute, at: <http://www.uu.nl/content/03-13.pdf>.
44. Mazeaud, Henri et Leon (1976), *traité Théorique et Pratique de la Responsabilité civile*, T.II, 6^{ème} édition, éditions Montchrestien.
45. Owen, David G. (1995), *Philosophical Foundations of Fault in Tort Law*, *In Philosophical Foundations of Tort Law*, first published, Oxford: Clarendon Press.
46. Ripert, George et Jean Boulanger (1957), *Obligations*, t.II, Paris.
47. Viney, Geneviève (2009), *Traité de droit civil, introduction à la responsabilité*, 3^{ème} édition, L.G.D.J..